

# جدائی نهاد دین از نهاد حکومت یا نهاد دولت؟

با تشکر از خانم دقیقیان که با بحث خود به روشن‌تر شدن وجه مهمی از لائیسیته یاری رسانده اند. نکته‌ای که مرا بر آن داشت تا این چند کلمه را بنویسم، استفاده ایشان از عبارت «تفکیک نهاد دین از نهاد حکومت» بجای «تفکیک نهاد دین از نهاد دولت» است. در کاربرد این عبارت ایشان تنها نیستند. برخی از صاحب نظران دیگر هم از کلمه حکومت بجای دولت استفاده کرده اند. به این ترتیب طبیعی است که این موضوع باعث سر در گمی خوانندگان گردد، چه به نظر می‌رسد که همه از یک چیز صحبت می‌کنند، اما در قالب عبارات متفاوت. اگر چنین است، بهتر است روشن شود و در آینده عبارت یکسانی برای بیان این منظور بکار رود. اگر چنین نیست، تفاوت در برداشتها مورد بحث و تبادل نظر قرار گیرد. به نظر من عبارت «جدائی نهاد دین از نهاد دولت» درست است. در زیر توضیح می‌دهم و ممنون می‌شوم، اگر خانم دقیقیان هم نظر خود را بنویسند. در زبان آلمانی برای دولت واژه Staat و برای حکومت واژه Regierung وجود دارد. در آلمانی این دو واژه را نمی‌توان به جای یکدیگر بکار برد. بطور نمونه به جای واژه Staatsangehörigkeit (تابعیت) نمی‌توان واژه Regierungsangehörigkeit (عضویت کابینه) را بکار برد. اما در برخی از نوشته‌های فارسی این دو واژه مترادف بکار گرفته می‌شود. حتی خانم دقیقیان هم که در مقاله همه جا از عبارت «تفکیک نهاد دین از نهاد حکومت» صحبت می‌کند، در ویدئوی سخنرانی در یک مورد از عبارت «تفکیک نهاد دین از نهاد دولت» استفاده کرده است. اگر دولت را مجموعه ارگانهای قوای مجریه، مقننه و قضائیه در نظر بگیریم و خواستار جدائی دین از دولت باشیم، به این معنا خواهد بود که عمل کرد این ارگانها را نه دین، بلکه قوانین دموکراتیک مصوب نمایندگان مردم تعیین می‌کند. در این نگاه، حکومت به کابینه متشکل از نخست وزیر و هیئت وزیران اتلاق می‌شود که برای مدت محدودی انتخاب می‌شوند و می‌توانند افرادی دین دار یا بی دین باشند. خواست جدائی نهاد دین از نهاد حکومت(؟) منظوری را که از سکولاریزم، و یا دقیق‌تر لائیسیته دنبال می‌کنیم، روشن بیان نمی‌کند.